

## چیستی و جایگاه جهاد مالی در نظام مالی و اقتصادی اسلام

علی زارع قراملکی<sup>۱</sup>

### چکیده

جهاد مالی، علیرغم تأکیدات قرآنی و روایی، در مقایسه با جهاد جانی در ادبیات فقهی و اقتصادی اسلام کمتر مورد پژوهش نظام‌مند قرار گرفته و این غفلت هم در ساحت موضوع‌شناسی و هم از ناحیه‌ی حکم‌شناسی مشهود است. این پژوهش با هدف پرکردن خلأ موضوع‌شناسی و در پاسخ به پرسش اصلی «جهاد مالی چیست و چه جایگاهی در منظومه‌ی احکام مالی و در نظام اقتصادی اسلام دارد؟» شکل گرفته است.

با روش توصیفی-تحلیلی و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، این تحقیق ابتدا به موضوع‌شناسی جهاد مالی در لغت، اصطلاح فقهی و مصادیق متغیر آن پرداخته و سپس جایگاه آن را در دو سطح تحلیل می‌کند: نخست، تمایز و ارتباط آن با سایر احکام مالی مانند انفاق، خمس، زکات، وقف و صدقه؛ و دوم، تبیین نقش آن در نظام اقتصادی اسلام از منظر مبانی، اهداف، اصول راهبردی، الگوهای رفتاری و اخلاق اقتصادی.

یافته‌ها حاکی از آن است که جهاد مالی اگرچه از حیث موضوع و ماهیت با سایر احکام مالی متفاوت است، می‌تواند از طریق منابع آنها (مانند سهم امام (ع) در خمس یا مصرف «فی سبیل‌الله» در زکات) تأمین مالی شود. در نظام اقتصادی اسلام، جهاد مالی نقشی کلیدی در تحقق امنیت اقتصادی (در سطوح خرد و کلان) ایفا کرده و با اصولی چون حاکمیت مصالح، تکافل اجتماعی و مالکیت مختلط پیوندی وثیق دارد. از این منظر، جهاد مالی نه صرفاً یک تکلیف فردی، بلکه اصلی راهبردی با جایگاهی ساختاری در اقتصاد برای تحقق امنیت و استقلال نظام اسلامی است.

نوآوری این تحقیق در پرداختن نظام‌مند و یکپارچه به ابعاد موضوع‌شناختی جهاد مالی است و چارچوبی برای تحقیقات آتی در زمینه‌ی احکام فقهی و سیاست‌گذاری اقتصادی مرتبط با تقویت توان مالی در مقابله با تهدیدات دشمن ارائه می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** جهاد مالی، اقتصاد اسلامی، احکام مالی، امنیت اقتصادی، نظام اقتصادی.



## ۱. مقدمه

جدال همیشگی میان حق و باطل و تقابل این دو در طول تاریخ، از مفاهیم بنیادین و انکارناپذیر در آموزه‌های اسلامی است. این جدال مستلزم آن است که همان‌طور که کفر و الحاد به مقابله با ایمان و اسلام می‌پردازند، مؤمنان و اهل حق نیز برای از میان برداشتن کفر و باطل، وارد میدان مبارزه شوند تا سرانجام حق پیروز گردد. بر همین اساس، انواع مبارزه بر اساس ابعاد مختلف این تقابل، ماهیتی متنوع پیدا می‌کند.

پیوند میان الهیات و معارف اسلامی با احکام و دستورات شرع، موضوعی قطعی و آشکار است. به‌گونه‌ای که احکام شرعی از سرچشمه‌ی معارف اسلامی نشئت گرفته و در طول آن‌ها هستند. براین اساس به فراخور این دیدگاه معارفی، موضوع جهاد و احکام مرتبط با آن نیز جایگاه ویژه‌ای در شرع مقدّس دارد و مورد توجه قرار گرفته است.

جهاد، مسئله‌ای که حکم و جوب آن بین مسلمانان مسلم بوده و ادله‌ی بسیاری از آیات و روایات دلالت بر آن دارد؛ لکن با نظر به ادله در می‌بایم، جهاد در دو ساحت جهاد با اموال و جهاد با انفس مطرح شده است به این معنا که جهاد می‌تواند با بذل اموال صورت گیرد و یا به سبب ایثار جان محقق شود؛ و چه بسا جهاد مالی مقدّم بر جهاد جانی بوده و از اهمیت بالایی برخوردار است که شاهد بر این علاوه بر درک عقلی و عقلانی، تصریح آیات شریفه در تقدّم جهاد با اموال بر جهاد با انفس می‌باشد مانند آیه‌ی شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرًا عَظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه: ۲۰) و آیه‌ی شریفه «انْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه: ۴۱).

با این حال، غالب بررسی‌های فقهی به بعد ایثار جانی آن پرداخته‌اند؛ اما بررسی احکام، شرایط و مسائل حول جهاد با اموال در تراث فقهی مغفول مانده است. شرایط حال حاضر منطقه و درگیری‌های جبهه‌ی مقاومت با رژیم صهیونیستی و فتوای مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم حمایت همه‌جانبه مسلمین از محور مقاومت، اهمیت بررسی مسائل مربوط به جهاد با اموال را بیش از پیش روشن می‌کند. جهاد با اموال



را می‌توان از احکام مالی و اقتصادی شریعت برشمرد، از این‌رو از جمله مسائل مهم در بررسی جهاد مالی، تبیین جایگاه آن در اقتصاد اسلامی است که این مهم در دو ساحت قابل پیگیری است:

نخست، بررسی جایگاه جهاد مالی در منظومه‌ی احکام مالی اسلام و تمایز و ارتباط آن با سایر احکام.

دوم، بررسی جایگاه جهاد مالی در نظام اقتصادی اسلام که مستلزم بررسی ارتباط آن با مبانی، اهداف، اصول، الگوهای رفتاری و اخلاق نظام اقتصادی اسلام است. این نوشتار با هدف بررسی «چیستی و جایگاه جهاد مالی در نظام مالی و اقتصادی اسلام» به دنبال تحقق این مهم است.

مسئله است، برای بررسی مسائل هر موضوعی، شناخت دقیق موضوع که از آن به «موضوع‌شناسی» تعبیر می‌شود، گام نخستین و مهم در سیر بررسی هر مسئله به خصوص در استنباطات فقهی قلمداد می‌شود. بر این اساس، ابتدا به موضوع‌شناسی جهاد مالی پرداخته و بعد جایگاه جهاد مالی در دو ساحت پیش‌گفته تبیین می‌شود. موضوع جهاد، در تراث فقهی مورد توجه قرار گرفته و یکی از ابواب احکام فقهی به این مهم اختصاص یافته است؛ لکن آنچه در «کتاب الجهاد» کتب فقهی مورد بررسی قرار گرفته است، ایثار جانی و جهاد با انفس است که احکام و مسائل آن در دو قسم جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی تبیین شده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به این آثار اشاره کرد: شیخ طوسی در «النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۸۹)، محقق حلّی در «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام» (محقق حلّی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۷۸)، علامه‌ی حلّی در آثار خود به ویژه «تذکره الفقهاء» (حلّی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۷)، شهید اول در «الدروس الشریعیة فی فقه الامامیة» (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۹)، شهید ثانی در «مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۷)، طباطبایی حایری در «ریاض المسائل» (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۶)، نجفی در «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳) و...؛ در تمامی این آثار فقهی، به بعد ایثار جانی جهاد پرداخته و بعد جهاد با اموال مغفول مانده و تنها در بعض آثار به وجوب صرف اموال در امر جهاد اشاره شده است.



در بخشی از کتب فقهی که به بحث دفاع پرداخته است، تنها به بیان وجوب دفاع مالی در کنار دفاع جانی اکتفا شده و تفصیل بیشتری صورت نگرفته است؛ به عنوان مثال امام خمینی در «تحریرالوسیلة» پس از تقسیم دفاع به دو قسم دفاع از کیان اسلام و دفاع از جان آدمی و امثال آن، به وجوب دفاع مالی از کیان اسلام و قلمرو آن فتوا داده‌اند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۱۵).

نسبت به موضوع جهاد با اموال، گفتار و نوشتارهایی با رویکرد معارفی و تفسیری از قبیل مقاله‌ی «جهاد به مال و جان در قرآن» (۱۳۶۶) به قلم واعظزاده خراسانی، نوشته‌ی رمضان‌علوی با موضوع «تبیین رابطه‌ی جهاد مالی و جانی در قرآن کریم و روایات» (۱۳۹۴)، نوشتار فقهی‌زاده با عنوان «بازشناسی تفسیری مفهوم قرآنی قرض حسن» (۱۴۰۰) انجام شده است و در جوامع تفسیری قرآن کریم ذیل آیات مربوط به جهاد با اموال مانند آیه‌ی نود و پنجم سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، تنها اشاراتی مختصر به چیستی و اهمیت جهاد با اموال شده است مانند علامه‌ی طباطبایی در «المیزان فی تفسیر القرآن» (۱۳۹۰ق)، علامه‌ی جوادی آملی در «تسنیم» (۱۳۸۹)؛ ازاین‌رو هیچ‌یک از آثار فوق به بررسی بعد فقهی و اقتصادی جهاد مالی نپرداخته‌اند.

در تبیین اقتصاد اسلامی چه در بعد احکام مالی و چه در بعد نظام اقتصادی نیز موضوع جهاد مالی مغفول بوده و به این موضوع پرداخته نشده است مانند شهید صدر در «اقتصادنا» (۱۴۱۷ق [الف])، یوسفی در «نظام مالی اسلام» (۱۳۷۹) و «نظام اقتصاد علوی» (۱۳۸۶)، نمازی در «نظام‌های اقتصادی» (۱۳۸۷)، میرمعزی در «نظام اقتصاد اسلامی» (۱۳۹۰).

بر این اساس تحقیقی جامع و کامل با رویکرد فقهی و اقتصادی در موضوع جهاد مالی صورت نگرفته، در نتیجه بررسی «جایگاه جهاد مالی در اقتصاد اسلامی» به عنوان اولین تحقیق در این زمینه، اهمیت نوشتار پیش‌رو را دوچندان می‌کند و نوآوری تحقیق نیز در همین امر است.



## ۲. موضوع‌شناسی جهاد مالی

### ۲-۱. بررسی لغوی

جهاد مالی ترکیب اضافی واژه‌ی جهاد به مال است؛ از این رو برای شناخت این مفهوم لازم است ابتدا هر یک از دو واژه به تفکیک مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار گیرد:

### الف. جهاد

جهاد در لغت از ماده‌ی «جهد» (به ضم فاء الفعل یا فتح آن) به معنای طاقت (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۲۶؛ جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۶۰) معرفی شده است؛ لکن در اصل معنایی آن گاه به معنای مشقت (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۸۶) و گاه به معنای بذل طاقت و تلاش بسیار برای رسیدن به غایت ممکن (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۲۸) اشاره شده است.

البته در میان بعض اهل لغت میان دو ماده‌ی «جهد» (به فتح فاء الفعل) و «جُهد» (به ضم فاء الفعل) تفاوت گذاشته شده و اولی را به معنای مشقت و سختی و دومی را به معنای کوشش و وسع دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۸؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۹۶). باین وجود، اجتهاد (مصدر باب افتعال) را به بذل طاقت و تحمل مشقت نفس، و جهاد (به کسر جیم) و مجاهده (مصدر باب مفاعله) را به معنای استفراغ وسع در برابر دشمن معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۸۶؛ زمخشری، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۱۰۶).

از این رو جهاد با ملاحظه از نوع دشمن می‌تواند به سه نحو جهاد با دشمن ظاهری، جهاد با شیطان و جهاد با نفس تقسیم شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۸)؛ بر این اساس جهاد را به معنای قتال دشمنان (ازدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۳۵) و یا محاربه (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۱۹) نیز معنا کرده‌اند؛ در نتیجه در موارد استعمال جهاد، مفعول افعال حذف شده است؛ مانند «یجاهدون فی سبیل الله» که در واقع «یجاهدون العدو فی سبیل الله» بوده است و این



جهاد می‌تواند به هر وسیله ممکنه مانند مال و بدن محقق شود (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۲۸).

### ب. مال

نسبت به مفهوم مال، اختلافی نبوده و معنای لغوی آن روشن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۴۴؛ جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۸۲۱) لکن در ترجمه آن را به آنچه قابلیت تملیک دارد معنا می‌کنند (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۴۴۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۶۳۵) و یا این‌گونه عنوان می‌کنند که مال چیزی است که عقلاً نسبت به آن رغبت داشته و به‌إزاء آن چیزی پرداخت می‌کنند (شهرکانی، ۱۴۳۰ق، ص ۵۱۶)؛ از این‌رو مورد تملیک می‌تواند هر چیزی باشد از قبیل نقدین (سکه طلا و نقره) به عنوان پول رایج، دام، بردگان و یا هر چیز دیگری که عین بوده و مورد تملیک قرار می‌گیرد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۷۵).

### ج. جهاد مالی

ترکیب جهاد مالی، از نوع اضافی بیانی است که با اضافه شدن پسوند «ی» به مضاف‌الیه تبدیل به ترکیب وصفی دارای صفت بیانی نسبی شده است و بیانگر کیفیت و جنس جهاد است که با اموال صورت می‌گیرد. بر این اساس، در استعمالات عربی به‌صورت «الجهاد بالمال» می‌آید که به معنای جهاد به‌وسیله‌ی مال می‌باشد. در نتیجه جهاد مالی در لغت، به معنای بذل و سع و کوشش فراوان در هزینه‌ی اموال برای مقابله با نوع دشمن خواهد بود.

### ۲-۲. بررسی اصطلاحی

#### الف. جهاد

نسبت به اصطلاح جهاد، دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول بر آن است که جهاد در معنای لغوی جهاد استعمال شده و اعم از مورد مقابله با دشمنان است:

در کنز العرفان چنین عنوان شده است که جهاد یا به معنای بلوغ مشقت در نفس



و مال و یا بذل طاقت از نفس و مال می‌باشد (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۴۰-۳۴۱)؛ صاحب کتاب المهدب البارع نیز جهاد را نهایت تلاش برای جنگ، زبان یا هر چیز دیگری که می‌توان در راه خداوند تحمّل کرد معنا می‌کند (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۹۵-۲۹۶).

دیدگاه دوم جهاد را در خصوص مقابله با دشمنان و قتال و محاربه معنا می‌کند و ادعا دارد که در این معنا اصطلاح شده است:

راوندی در بیان اصطلاح جهاد، آن را در مورد قتال در راه خداوند برای اعتلای کلمة الله و اعتزاز دین و اذلال مشرکین می‌داند (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۲۸)؛ محقق کرکی نیز همین معنا را برای جهاد اصطلاحی عنوان می‌کند (کرکی عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۶۵). طباطبایی جهاد را در معنای بذل و وسع به واسطه‌ی نفس و مال در محاربه‌ی مشرکین یا افراد باغی و یا به تعبیر دیگر برای اعتلای کلمه‌ی اسلام و اقامه‌ی شعار ایمان می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۶). شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۷) و نجفی (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳) جهاد را همچون طباطبایی معنا می‌کنند با این تفاوت که بذل و وسع را به واسطه‌ی نفس و آنچه متوقف بر بذل و وسع به نفس که مال باشد تعبیر می‌کنند. از فقهای معاصر مرحوم خوئی (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۶۰)، مرحوم تبریزی (تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۶۹) و مرحوم بهجت (بهجت، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۳۶۵) نیز جهاد را به اصطلاح قتال و مقاتله می‌دانند.

باتوجه به کلمات فوق، عموماً جهاد در اصطلاح فقها، به معنای بذل طاقت در مقابله با دشمن و غالباً در مورد قتال و محاربه عنوان شده است؛ لکن کشف موضوع له واژه‌ی جهاد و اختصاص یا عدم اختصاص آن به زمان جنگ و حرب، برای فهم مراد استعمالی و مراد جدی ادله‌ی حائز اهمیت است، بنابراین توجه به دو نکته در کشف موضوع له واژه‌ی جهاد لازم است: اولاً باید دید آیا در موضوع له واژه جهاد قید مقابله با دشمن اخذ شده است یا خیر؟ ثانیاً آیا این مقابله در قالب مقاتله و محاربه معنا می‌شود یا قالب دیگری نیز به خود می‌گیرد؟

جهاد مصدر باب مفاعله بوده و معنای غالب این باب، مشارکت دو طرف در ماده‌ی فعل است (رضی‌الدین استرآبادی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۹۶)، مانند «ضارب زید



عمرواً» که چنین معنا می‌دهد «زید و عمرو یکدیگر را زدند»؛ از این رو جاهد به معنای بذل طاقت هر یک از طرفین برای دفع طرف مقابل می‌باشد (معلوف، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۱۰۵)؛ بنابراین اگر مفعول فعل جاهد، عدو باشد، به معنای مقاتله و محاربه با دشمن تفسیر شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۳۸۶؛ ازهری، ۱۴۲۱ ق، ج ۶، ص ۲۶؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۳۶۹؛ زمخشری، ۱۳۹۹ ق، ج ۱، ص ۱۰۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۱۳۵).

حال تردید در جایی است که مفعول محذوف باشد در این صورت معنا چگونه خواهد بود؟ راغب اصفهانی مدعی است، جهاد و مجاهده به معنای استفراغ و سع در دفاع در برابر دشمن بوده و در آیاتی از قرآن که مفعول حذف شده است و به معنای جهاد در برابر دشمن ظاهری، شیطان و نفس می‌باشد؛ مانند آیه‌ی شریفه‌ی «وجاهدوا فی الله حقّ جهاده» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۰۸). به گمان می‌توان چنین ادّعا کرد، هر چند معنای موضوع‌له جهاد اعم از مقاتله با دشمن می‌باشد لکن در اسلام حقیقت شرعیه یافته و در خصوص قتال با دشمنان (مطریزی، ۱۳۹۹ ق، ج ۱، ص ۱۷۱) و اعتلای کلمه‌ی اسلام و اقامه‌ی شعائر ایمان به کار می‌رود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۱)؛ بنابراین، واژه‌ی جهاد در موضوع‌له مقابله با دشمن حقیقت شرعی گشته و به بیان بسیاری از اعظام علم اصول ثمره‌ای در نزاع حقیقت شرعیه وجود ندارد؛ چرا که با وجود نقل آیات و روایات توسط انمه‌ی معصومین علیهم‌السلام شکی در مراد استعمالی ادله‌ی شرعی وجود ندارد (خویی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴۳، ص ۱۴۲؛ خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۳۸) مگر آنکه ادّعا شود در تشخیص معنای الفاظ آیات قرآن، به جهت شک در زمان نقل و وضع معنای حقیقت شرعیه نمی‌توان معنای موضوع‌له را کشف کرد؛ در این صورت با توجه به قواعد باب تعارض احوال الفاظ بایستی به دنبال قرائن برای کشف معنا بود و الا در فهم معنا متوقف می‌شویم و کلام مجمل می‌شود (صدر، ۱۴۱۷ ق [ب]، ج ۱، ص ۱۸۵-۱۸۶).

براین اساس در اصطلاح شرعی جهاد به معنای مقابله با دشمن فهم می‌شود؛ اما اینکه جهاد به خصوص مقاتله و محاربه معنا شود کما اینکه برخی از فقها چنین عنوان کرده‌اند، امر نادرستی است؛ بلکه یکی از انواع مقابله با دشمنان مقاتله و



محاربه با ایشان است و دایره‌ی مقابله با دشمن به‌ویژه در شرایط کنونی می‌تواند گستره‌ی بیشتری داشته و انواع مختلفی را شامل شود؛ از این‌رو به نظر می‌رسد این که برخی جهاد را به خصوص مقاتله و محاربه معنا کرده به دلیل غلبه آن بوده است درحالی‌که در صدق واژه‌ی جهاد موضوعیتی ندارد. البته در شریعت اسلام این مهم است که جهاد، در راه خداوند صورت گیرد؛ از این‌رو قید «فی سبیل‌الله» در معنای جهاد شرعی ضروری است؛ بنابراین، جهاد فی سبیل‌الله عبارت است از تمامی افعال و اقوالی که به هدف نشر اسلام، ضدّ دشمنانی که مسلمین را هدف گرفته‌اند، آزادسازی اراضی مسلمین، حمایت از مسلمانان خاص یا جامعه‌ی اسلامی و امثال این امور انجام می‌شود.

### ب. مال

در برابر، مال در اصطلاح فقهی مفهومی غیر از معنای لغوی ندارد، با این‌حال حسینی حائری این‌گونه تعریف می‌کند: «مراد از مال چیزی است که انسان می‌خواهد در قبال آن عوضی پرداخت نماید تا آن چیز را ذاتاً مالک شده و در اختیار داشته باشد با این قید که این مالکیت حرام نباشد». ایشان معتقد است که در صدق مفهوم مال رغبت عمومی عقلاً شرط نیست و صرف رغبت شخص نسبت به آن شیء کفایت می‌کند (حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۰۷). بر این اساس تنها مشتمل بر مصادیقی است که عرف تعیین می‌کند (حماد، ۱۴۲۹ق، ص ۳۸۸) و در نظر عرف مال بر عین، عمل و منفعت صادق است (حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۰۸). قابل‌ذکر است، با وجود رابطه‌ی عموم و خصوص من وجه میان مفهوم مال و ملک، استعمال مال در تراث فقهی در هر یک از معانی مترادف و متضاد ملک صورت‌گرفته است لکن آنچه غالباً موضوع بسیاری از احکام شرعی قرار می‌گیرد مالی است که مترادف با ملک می‌باشد (شهرکانی، ۱۴۳۰ق، ص ۵۱۶).

### ج. جهاد مالی

در نتیجه، جهاد مالی در اصطلاح به «تمامی کارها در راستای مقابله‌ی مالی با دشمنان اعم از تأمین و هزینه‌ی اموال در مسیر خداوند» گفته می‌شود. در برابر جهاد



با نفس، مقابله‌ی جانی با دشمن است به این معنا که شخص در تقابل با دشمن از توان جسمی و روحی خود بهره‌گیرد. براین اساس جهاد به دو وسیله قابل اجرا است؛ جهاد با اموال و جهاد با نفس.

معنایی که از جهاد مالی عنوان شد در آیات قرآن کریم به وضوح مشاهده می‌شود؛ مانند آیه‌ی «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء: ۹۵) که به عدم تساوی میان کسانی که بدون عذر در مقابله با دشمن شرکت نداشته‌اند با کسانی در راه خداوند جهاد کرده و به مقابله با دشمن شتافته‌اند اشاره شده است.

در نتیجه، هرچند جهاد از نظر مفهومی بر اعمال در مقابله با نفس و شیطان نیز صادق است، اما در اصطلاح فقهی به معنای رویارویی با دشمن آشکار است.

### ۳-۲. موارد و مصادیق جهاد مالی

یکی دیگر از مراحل لازم در موضوع‌شناسی، بیان موارد و مصادیق است. هر چند مفهوم جهاد «مقابله با دشمن» معنا می‌شود؛ اما مصادیق و موارد آن می‌تواند به حسب اقتضانات زمان و مکان تغییر کند؛ ازاین‌رو بایستی توجه داشت که اکتفا به مصادیق عصر معصوم در زمان حاضر صحیح نبوده و بایستی دراین خصوص بررسی لازم صورت گیرد. تقسیمات جهاد مالی عبارت‌اند از:

#### الف. تقسیم به اعتبار نوع دشمن

دشمن انسان می‌تواند هر یک از سه نوع دشمن ظاهری، شیطان و نفس را در برگیرد. در اصطلاح فقها آنچه از جهاد به نحو مطلق یاد می‌شود، جهاد به معنای مقابله با دشمن ظاهری اسلام و مسلمین است و از مقابله با شیطان و نفس تعبیر به جهاد اکبر می‌شود که اختصاص به مباحث اخلاقی و عرفانی دارد؛ بنابراین آنچه در ادامه‌ی نوشتار طرح بحث خواهد شد، بررسی تقسیمات مربوط به مقابله با دشمن ظاهری خواهد بود.

دشمن ظاهری نیز خود به اقسام مختلفی چون کفار، منافقین، بغاة، طاغوت و... قابل تقسیم است.



### ب. تقسیم به اعتبار اغراض و انگیزه‌های جهاد

جهاد در راه خداوند می‌تواند انگیزه و دواعی مختلفی از جمله اعتلای اسلام و کلمه‌ی حق، نشر معارف اسلامی، سدّ دشمنان و نابودی ایشان و... .

### ج. تقسیم به اعتبار مورد جهاد

منظور از مورد جهاد، موضوعی است که مقابله با دشمن بر سر آن واقع می‌شود؛ مانند دین، جان، آبرو، مال، سرزمین و... .

### د. تقسیم به اعتبار ساحت و عرصه‌های جهاد

مقابله با دشمن می‌تواند انحای مختلفی داشته باشد؛ مانند جهاد نظامی، جهاد اقتصادی، جهاد فرهنگی، جهاد سیاسی، جهاد علمی، جهاد امنیتی و... .

### ه. تقسیم به اعتبار کیفیت جهاد

جهاد به لحاظ کیفیت آن به دو گونه جهاد دفاعی و جهاد ابتدایی تقسیم می‌شود؛ جهاد دفاعی به مقابله در برابر تجاوز دشمن و جهاد ابتدایی به تجاوز به دشمن گفته می‌شود. هر چند این ادبیات در خصوص جهاد نظامی به کار گرفته شده است لکن در مورد سایر ساحت جهاد نیز می‌توان از آن بهره جست.

در همین راستا مقابله دفاعی را می‌توان به دو صورت جهاد مدافعانه و جهاد بازدارنده معنا کرد؛ جهاد مدافعانه به معنای دفع تجاوزات دشمن و تسلیم نشدن در برابر او که از آن به عنوان «مقاومت» نیز می‌توان یادکرد و جهاد بازدارنده به معنای رفع موضوع تجاوزات دشمن است. براین اساس در جهاد مالی رویکرد مقابله می‌تواند صرف هزینه اموال نباشد، بلکه می‌تواند به سبب تولید ثروت صورت گیرد.

### و. تقسیم به اعتبار جنس جهاد

جنس جهاد می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد؛ جهاد مستقیم، مقابله‌ای است که بی‌واسطه با دشمن صورت می‌گیرد، مانند جنگی که میان ایران و عراق در هشت سال دفاع مقدس صورت گرفت، و جهاد غیرمستقیم که از آن به عنوان جنگ



نیابتی هم یاد می‌شود، مقابله‌ای است که با واسطه و به صورت حمایت از کشورها و گروه‌های دیگر شکل می‌گیرد؛ مانند حمایت‌های بسیاری از کشورهای جهان از رژیم بعث عراق در جنگ با ایران.

### ز. تقسیم به اعتبار دایره جهاد

دایره‌ی جهاد می‌تواند به نفس مقابله یا لوازم و آثار آن اختصاص یابد؛ مراد از نفس مقابله، مقابله‌ی ظاهری با دشمن است و عبارت است از اتفاقاتی که در میدان نبرد با دشمن صورت می‌گیرد، درحالی‌که منظور از لوازم و آثار، مسائلی است که حول موضوع جهاد با دشمن به وجود می‌آید؛ مانند آوارگی مردم از منازل خویش و هزینه‌ی بازسازی تخریب‌هایی که در جنگ صورت می‌گیرد.

### ح. تقسیم به اعتبار اقسام مال

همان‌طور که گفته شد، مال از مفاهیم عرفی است که تعیین مصداق آن به دست عرف عقلا است لکن به سه قسم اعیان، اعمال و منافع تقسیم می‌شود؛ مراد از اعیان، اشیای خارجی است که ارزش ذاتی دارند، منظور از اعمال، کارهایی است که مالیت دارند و در قبال انجام آن اجرت تعلق می‌گیرد و مقصود از منافع، مزایایی است که به تبع اعیان حاصل می‌شود و عمدتاً در قالب عقد اجاره معامله می‌شود؛ مانند منفعت سکونت در منزل.

## ۳. جایگاه جهاد مالی در منظومه احکام مالی اسلام

جهاد مالی به معنای مبارزه با نفس می‌تواند اجرای هر یک از احکام مالی را در برگیرد، اما هدف ما در اینجا تمرکز بر تبیین تفاوت جهاد مالی به مفهوم مقابله با دشمن آشکار با دیگر مفاهیم و احکام مالی در اسلام است؛ از این‌رو ضروری است ابتدا به بررسی دقیق سایر احکام مالی پرداخته شود تا تمایز میان آن‌ها به طور شفاف مشخص گردد.

### ۳-۱. تبیین و بررسی احکام مالی اسلام



## الف. انفاق

انفاق از ماده «نفق» در اصل انقطاع شیء و از بین رفتن آن معنا شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۵۴؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۲، ص ۲۰۷). همانا در اینجا به معنای صرف کردن متعلق آن (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۴۴۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۵۸) اعم از مورد مال و غیر آن است. انفاق می تواند واجب و یا مستحب باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۱۹)، مانند پرداخت نفقه‌ی خانواده که از واجبات است و پرداخت صدقه مستحبی که از نوع انفاق مستحب شمرده می شود. بر همین اساس در اصطلاح شرعی نیز به معنای بذل مال و مانند آن معنا شده است (سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۵۷).

## ب. خمس

خمس به معنای یک پنجم در شرع به معنای ثبوت حقی به مقدار یک پنجم در اموال انسان، برای خداوند، پیامبر و امامان معصوم و برای مستحقان بنی هاشم به جای صدقه و زکات می باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۴۹۵). نسبت به تعریف خمس تعابیر متفاوتی وجود دارد؛ شهید اول خمس را به حق مالی که به جای زکات بالاصالة به نفع بنی هاشم در غنائم ثابت می شود معرفی می کند (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۵۸). شهید ثانی همین تعریف را بر می گزیند با این تفاوت که به جای غنائم از واژه‌ی مال مخصوص استفاده می کند؛ براین اساس حق را به منزله جنس تعریف و قید مالی را موجب خروج ولایت امام بر مردم می داند، با قید بنی هاشم، زکات از تعریف خارج شده و قید بالاصالة، مورد نذر را خارج می کند و قید عوض از زکات نیز به اکرامی که در تشریح این حق برای بنی هاشم صورت می گیرد اشاره دارد (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۵۵).

نجفی و طباطبایی حائری نیز با کمی کمی اختلاف تعبیر همین تعریف را بر می گزینند (نجفی، ۱۳۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۲۷). شیخ انصاری نیز در اصطلاح شرعی خمس، آن را به حق در مال که برای حضرات معصومین علیهم السلام و از قبیل ایشان واجب شده است تعریف می کند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۲۱). البته محقق داماد نسبت به جنس تعریف که حق مالی عنوان شده است



اشکال گرفته و آن را ناشی از اختلاف مبانی می‌دانند؛ زیرا ممکن است مبنا ثبوت حق بر مال یا عین مشاع و یا ترکیبی از مال و عین مشاع باشد (محقق داماد، ۱۴۱۸ق، ص ۹).

### ج. زکات

زکات از ریشه «زکی» یا «زکو» عمدتاً به دو معنای تطهیر و نما آمده است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۱۸۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۸۰)، هر چند برای این واژه معانی دیگری از قبیل صلاح، مدح، برکت و زیاده هم ذکر شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۵۸). از آنجا که زکات را اسم مصدر از ترکیه مصدر باب تفعیل دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۹۴؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۵۴) زمانی که به مال اضافه می‌شود به تطهیر مال معنا می‌شود (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۳۶۸). هر چند علامه مصطفوی تمامی معانی موجود برای زکات را به معنای واحدی بازگشت داده و معانی عنوان شده را از لوازم این معنا می‌دانند که عبارت است از: برداشتن آنچه که حق نبوده و اخراج آن از مورد سالم، در این صورت زکات مال به معنای خارج کردن حقوق غیر از مال است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۳۳۷).

آنچه در کلام فقها به عنوان تعریف اصطلاح زکات عنوان می‌شود عبارت است از:

• حق واجبی که در مال وجود داشته و در وجوبش نصابی معتبر است (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۸۵؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۷؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۴۵؛ حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۹۳):

• صدقه‌ای که از ابتدا به سبب اصل شرع در نظر گرفته شده (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۲۷؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۵۶)؛

• صدقه‌ای که بالاصالة به نصاب تعلق گرفته است (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۱۸)؛

• قدر مشخصی که به مال یا ذمه تعلق می‌گیرد (عاملی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۵)؛

• مقدار مخصوصی از مال که اخراج آن با شرایط خاصی در راستای پاک‌سازی اموال طلب می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۳).

ناگفته نماند که زکات در شریعت اسلام بر دو قسم زکات اموال و زکات فطره



است؛ زکات اموال زکاتی است که به موارد نه‌گانه «شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره، گندم، جو، خرما و کشمش» تعلق می‌گیرد و زکات فطره به تمامی افراد در غروب شب عید فطر تعلق می‌گیرد.

#### د. وقف

وقف در لغت به معنای مکث، حبس و سکون (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۳۵؛ مطرزی، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۳۶۶؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۶۹) در اصطلاح صدقه‌ی جاریه و عقدی است که به‌موجب آن دارایی قفل شده و منفعت آن آزاد می‌شود (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۸۹؛ عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۶۳)؛ یعنی به‌طور همیشگی تصرف ناقلی مانند خرید و فروش در آن امکان ندارد (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۷). نسبت به مورد وقف چهار شرط عین بودن، مملوک بودن، انتفاع بردن با فرض بقای عین وقفی و صحت اقباض منفعت (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۸، ص ۱۵) و نسبت به مورد موقوف علیه چهار شرط موجود بودن، صحت تملک، معین بودن و عدم حرمت وقف بر آن مطرح است (همان، ص ۲۷).

#### ه. صدقه

صدقه از ریشه «صدق» که عموماً به‌خلاف کذب معنا می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۵۶؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۵۷؛ جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۵۰۵). علامه مصطفوی در بیان اصل معنایی واژه‌ی صدق چنین آورده است که صدق یعنی تمامیت و صحت از خلاف و اینکه بر حق باشد، حال براین اساس معنای صدق به اختلاف مواردش متفاوت خواهد بود به‌عنوان مثال صدق در اعتقاد یعنی مطابق حق واقع ثابت بودن، صدق در اظهار اعتقاد یعنی مطابق اعتقاد بدون نفاق بودن، صدق در قول و خبر یعنی مطابق مخبر عنه بودن، صدق در عمل یعنی تمامیت در جمیع جهات و شرائط و... (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۶، ص ۲۱۵). اما صدقه آن چیزی که شخص اعطا می‌کنند می‌دانند، براین اساس علامه مصطفوی بر اساس اصل معنایی صدقه را چنین ترجمه می‌کنند: اعطای صحیح تام واجد شرایط به‌نحوی که در راه خداوند بوده و در خدمت ضعفا از خلق برای قضای حوائجشان باشد (همان، ص ۲۱۷).



لکن آنچه در کلام فقها در اصطلاح صدقه آمده از قرار زیر است:  
مرحوم شیخ طوسی چنین آورده است، چنانچه شخصی در اعطای مال به مسکینی قصد ثواب و تقرب به خداوند متعال داشته باشد صدقه نام دارد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۳۰۳).

ابن ادریس و راوندی معنای هبه و صدقه و هدیه را یکی می‌دانند با این تفاوت که اگر در هبه دادن قصد ثواب و تقرب به خداوند متعال باشد صدقه نام دارد لکن اگر تنها قصد تودد و مواصله باشد هدیه و هبه نام دارد (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۷۲؛ راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ۲۹۴). البته در تحقق صدقه شرائطی عنوان شده است که به مجال خود می‌سپاریم (ر.ک: حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۲، ص ۶۸).

### ۲-۳. تفاوت و ارتباط جهاد مالی با سایر احکام مالی اسلام

میان انفاق و جهاد مالی رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق برقرار است چرا که انفاق به هر نوع بذلی در شریعت در قالب بذل مالی و غیر آن گفته می‌شود که می‌تواند واجب یا مستحب باشد؛ درحالی‌که جهاد مالی خصوص بذل مال در موضوع مقابله با دشمن را شامل می‌شود.

در برابر، جهاد مالی با سه حکم دیگر یعنی خمس، زکات، وقف و صدقه از نظر موضوع و متعلق متفاوت است؛ چرا که موضوع خمس حقی است که برای مصرف ائمه‌ی معصومین و بنی‌هاشم در هفت منبع درآمد، معدن، گنج، مال حلال مخلوط به حرام، جواهرات به‌دست‌آمده با غواصی، غنایم جنگی و زمین خریداری شده از مسلمان توسط ذمی قرار داده شده؛ زکات اموال حقی است که به موارد نه‌گانه‌ی گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، گوسفند، گاو و شتر با نصاب خاصی تعلق گرفته و زکات فطره حق معلومی است که در پایان ماه رمضان بر مکلفین واجب می‌شود و همگی در مصارف هفت‌گانه‌ی فقیر، مسکین، عاملین، مولفه‌قلوب، آزادسازی بردگان، مقروضان و در راه خدا هزینه می‌شوند. صدقه نیز پرداخت مال در یکی از پنج مصرف اول عنوان شده است که در صورت نیت تقرب، مستحب خواهد بود.

البته هر یک از احکام فوق‌را می‌توان منبعی برای تأمین مصارف جهاد مالی عنوان کرد.



توضیح مطلب: در مصرف خمس تحت دو عنوان سهم امام و سادات وجود دارد. براین اساس فقها سهم امام را سهمی می‌دانند که امام و نایب او به جهت منصب امامت و حاکمیت بایستی خمس را در راستای مصالح جامعه‌ی اسلام و مسلمین مانند حفظ اساس دین، نشر علوم و معارف دین، اداره‌ی امور مسلمین مصرف نماید، بنابراین امام و نایب او به‌عنوان متولی مصرف خمس مصالح جامعه را تشخیص و اموال خمس را در آن مصرف و یا اذن به مسلمین در مصرف سهم امام در مصالح جامعه می‌دهند (بروجردی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۷۶؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۵-۴۶؛ اراکی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۵۰).

هم چنین یکی از مصارف هفت‌گانه‌ی زکات، عنوان «فی سبیل‌الله» است که نسبت به معنای آن دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول که مشهور فقها قائل به آن هستند مراد از «فی سبیل‌الله»، مصالح عامه‌ی اسلام و مسلمین مانند ترویج دین و مذهب و تقویت و نشر آن و همچنین رعایت مصالح مسلمین و دفع ضعف و فساد از جامعه‌ی ایشان است. احتمال دوم منسوب به برخی از فقها که مراد از «فی سبیل‌الله»، صرف مورد جهاد و مقاتله با دشمنان دین و حفظ ثغور مسلمین است (روحانی، ۱۳۷۶، ص ۳۰۱؛ فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۵۹).

نسبت به هر یک از احتمالات، قدر متیقن از عنوان فی سبیل‌الله عنوان جهاد خواهد بود در نتیجه می‌توان زکات را به‌عنوان یکی از منابع تأمین جهاد مالی در نظر داشت.

در مورد موقوف علیه هم اینکه برای موضوع مصالح مردم یا بخشی از ایشان مانند ساخت پل، مدرسه و مسجد وقف صورت گیرد اشکالی وجود ندارد (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۰۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۸، ص ۳۰) از این رو می‌توان ادعا کرد که با حفظ شرایط وقف برای مورد مقابله با دشمن امکان‌پذیر بوده در این صورت وقف نیز می‌تواند منبعی برای تأمین هزینه‌های جهاد مالی باشد.

در خصوص صدقه نیز باید گفت، صدقه بر دو قسم واجب و مستحب است؛ صدقات واجب که همان خمس و زکات محسوب می‌شوند؛ در برابر صدقات



مستحب، اموالی هستند که انسان می‌تواند هر مقداری از مالش را که بخواهد در یکی از مصارف هشت‌گانه‌ای که در آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَىٰ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْقَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۶۰) بدان اشاره شده است هزینه کند و همان‌طور که گفته شد مراد از «فی سبیل‌الله» می‌تواند موضوع جهاد را نیز در برگیرد.

براین اساس، تمامی احکام مذکور می‌توانند به‌عنوان منابعی برای تأمین هزینه‌های جهاد مالی مورد استفاده قرار گیرند. با این حال، صدور حکم مستقل و ویژه برای جهاد مالی نیز امکان‌پذیر است که در این حالت، در کنار سایر احکام مالی قرار گرفته و لازم است به‌صورت جداگانه و بدون وابستگی به هیچ‌یک از احکام پیشین، منابع مالی مخصوصی برای این منظور تخصیص یابد.

#### ۴. جایگاه جهاد مالی در نظام اقتصادی اسلام

اگرچه جهاد مالی می‌تواند در حوزه‌های مختلفی نظیر سیاست، فرهنگ و سایر ابعاد جامعه تأثیرگذار باشد، اما ارتباط نزدیک و عمیق آن با مسائل اقتصادی، این مفهوم را بیش از همه به چارچوب نظام اقتصادی معطوف می‌کند؛ از این رو لازم است جایگاه جهاد مالی در نظام اقتصادی اسلام و ارتباط آن با سایر مسائل نظام اقتصادی مشخص شود. به‌طورکلی سیاست‌های اقتصادی حکومت اسلامی باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شوند تا جایگاه جهاد مالی در آن روشن شود، بر این اساس مطالب زیر در تبیین هدف فوق و وظایف حکومت اسلامی در قبال جهاد مالی حائز اهمیت خواهد بود:

#### ۴-۱. مبانی نظری نظام اقتصادی

در تبیین نسبت جهاد مالی با مبانی نظری نظام اقتصادی اسلام مبانی خداشناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه تاریخ تأثیر به‌سزایی دارند:

##### الف. مبانی خداشناسی:

بر اساس دیدگاه خداشناسی اسلامی، خداوند متعال مالک مطلق تمام هستی



است و هرآنچه که انسان در اختیار دارد، در اصل، متعلق به اوست.

#### ب. مبانی هستی‌شناسی:

از منظر هستی‌شناسی اسلامی، جهان با هدفی مشخص در مسیر تکامل نهایی، یعنی «قرب الی الله»، حرکت می‌کند. بنابراین، تمام رخدادها و پدیده‌هایی که در راستای خداوند باشند باقی خواهند ماند، در حالی که سایر اتفاقات به سوی نابودی سوق داده خواهند شد.

#### ج. مبانی انسانی‌شناسی:

در حوزه‌ی انسان‌شناسی اسلامی، انسان با اختیار و اراده خود تلاش می‌کند تا به هدف غایی‌اش، یعنی عبودیت الله، نزدیک شود و در نهایت به مقام والای خلیفه‌اللهی، که جایگاه ویژه‌ی او در خلقت است، دست یابد.

#### د. فلسفه‌ی تاریخ:

در چارچوب فلسفه‌ی تاریخ نیز، از آغاز آفرینش تاکنون یک تقابل همیشگی میان حق و باطل وجود داشته است. همین تقابل مداوم، مبنای شکل‌گیری مفهوم جهاد را تشکیل داده است.

بر این اساس، معنای جهاد مالی به روشنی نمایان می‌شود؛ آن را می‌توان رویارویی انسان مختار با جبهه‌ی باطل در راستای تحقق جانشینی الله برای حرکت به سوی او دانست، خداوندی که مالک اصلی و حقیقی همه چیز است.

### ۲-۴. اهداف نظام اقتصادی

برای نظام اقتصادی اسلام، اهداف در دو سطح غایی و میانی ترسیم می‌شوند: هدف غایی رسیدن به کمال و سعادت حقیقی در دو بُعد فردی و اجتماعی است؛ در برابر، اهداف میانی اقتصاد، دستیابی به امنیت، عدالت و پیشرفت اقتصادی است. جهاد مالی به عنوان رویارویی مالی با دشمن، بیشتر در تحقق هدف امنیت اقتصادی مرتبط خواهد بود:

امنیت اقتصادی در ساحت خُرد به این معنا است که اموال افراد در معرض خطر



تجاوز نباشد و در ساحت کلان که ذیل امنیت ملی تعریف می شود، مربوط به حفظ اموال جامعه و کشور است که خود به دو قسم امنیت داخلی و خارجی (بین المللی) تقسیم می گردد (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۲).

جهاد مالی در ساحت خُرد به معنای هزینه ی مالی در دفاع از اموال تک تک افراد برای دوری از خطر تجاوز دشمن است.

در مقابل، در ساحت ملی، اهداف عملیاتی متناسب با امنیت اقتصادی در بُعد امنیت داخلی برخاسته از عوامل ناامنی داخلی است که عبارتند از: بی ثباتی سیاسی، فقر و توزیع ناعادلانه ی ثروت و درآمد، عدم شفافیت قوانین، فقدان نظارت کامل بر اجرای قوانین، نقصان نظام قضایی و جزایی، عدم ثبات اقتصادی است.

همچنین، اهداف عملیاتی متناسب با امنیت اقتصادی در بُعد خارجی مبتنی بر ایجاد قدرت برتر اقتصادی در نظام اقتصادی در سایه ی تأمین استقلال اقتصادی است؛ از این رو عوامل برهم زن امنیت اقتصاد خارجی به معنای قطع وابستگی ها خواهد بود که با تأمین کالاهای مصرفی ضروری، کالاهای مصرفی مورد نیاز مردم، ابزار و تجهیزات نظامی، مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز صنایع مهم و فناوری و مدیریت حاصل می شود (میرمعزی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۶-۱۹۷).

با توجه به اصطلاح جهاد به معنای رویارویی با دشمن، به حسب تقسیم دشمنان به دشمن خارجی مانند کفار و منافقین و دشمن داخلی مانند بغا، جهاد مالی هر دو ساحت امنیت اقتصاد داخلی و خارجی را تحت الشعاع قرار می دهد و اساساً میان امنیت داخلی و خارجی، رابطه ی متقابل وجود دارد.

نکته ی شایان توجه این است که در کنار مواجهه ی مالی با دشمن که جهاد محسوب می شود، می توان ادعا کرد تأمین امنیت داخلی بر اساس تقویت ساختارهای اقتصادی به عنوان ایجاد قدرت بازدارندگی اقتصادی نیز از قبیل موارد جهاد دفاعی بازدارنده محسوب می شود.

### ۳-۴. اصول راهبردی نظام اقتصادی

اصول راهبردی به عنوان مجموعه ای از قضایای کلی دستوری که تحقق آن ها



برای حرکت از وضعیت موجود به وضعیت آرمانی شناخته می‌شوند (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۵۰)؛ اصولی که جهاد مالی با آن‌ها مرتبط است عبارتند از:

#### الف. حاکمیت مصالح در حوزه اقتصاد:

یکی از مهم‌ترین اصول راهبردی نظام اقتصادی، حاکمیت مصالح فرد و جامعه در حوزه اقتصاد است. بدیهی است تأمین مصالح افراد و جامعه در سایه جنگ و مقابله با دشمن به درستی میسر نخواهد بود، پس رویارویی با دشمن از الزامات اولیه برای ایجاد شرایط امن برای تأمین مصالح اقتصادی جامعه خواهد بود.

#### ب. تکافل اجتماعی:

یکی از اصول در نظام اقتصادی اسلام، آزادی و مسئولیت‌های اقتصادی مردم است؛ به این معنا که هرگونه تصرف مردم در اموال خود در غیر مواردی که شرع مقدّس ممنوع کرده جائز است (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۳)؛ اما در مقابل این آزادی، مسئولیت‌هایی برای دستیابی به فلسفه‌ی آزادی، یعنی عدم اطاعت از غیر خداوند متعال بر دوش مردم نهاده شده است. از چنین مسئولیتی در شعاع جامعه‌ی تحت عنوان تکافل اجتماعی یا تکافل عمومی یاد می‌شود که به معنای کفالت بعض مسلمین بر بعض دیگر برای تأمین نیازهای افراد جامعه است (کاظمی نجف‌آبادی و حسینی، ۱۴۰۳، ص ۴۰-۴۲).

یکی از نیازهای اساسی افراد، وجود امنیت در جامعه به انحاء مختلف آن اعم از امنیت نظامی و امنیت اقتصادی است؛ از این رو مسئولیت مردم نسبت به یکدیگر در تأمین امنیت، در قالب جهاد مالی می‌تواند معنا پیدا کند. شهید صدر مسئولیت و زمام دولت در تأمین اجتماعی افراد در جامعه را از نوع ضمان اعاله می‌داند (صدر، ۱۴۱۷ق [الف]، ص ۶۶۵)؛ از این رو لازم است که دولت حاجات اصلی عمومی جامعه را مبتنی بر همین مسئله تأمین نماید که از جمله این حاجات ایجاد و حفظ امنیت در برابر دشمن می‌باشد.

#### ج. حاکمیت دولت و حکومت در نظام اقتصادی:



دولت اسلامی بر اساس حاکمیت شرع، موظف است در تمامی ابعاد سیاست‌گذاری و اجرایی، به‌دنبال ایجاد امنیت برای تأمین مصالح افراد جامعه باشد؛ بر این اساس می‌بایست برای تحقق جهاد مالی فرایند لازم چون تدارک منابع مالی، شناسایی محل‌های مصرف، تخصیص سرمایه، ابلاغ سیاست‌ها، اجرای آن‌ها و پیگیری فرایندها را انجام دهد.

#### د. مالکیت مختلط:

در نظام اقتصادی اسلام، هر دو نوع مالکیت خصوصی و عمومی مورد پذیرش است. از انواع مالکیت‌های عمومی، می‌توان به مالکیت امام و دولت اسلامی اشاره کرد که یکی از فلسفه‌ها آن، تأمین مالی حکومت برای رعایت مصالح جامعه و ایجاد امنیت اقتصادی است؛ از این رو می‌توان یکی از منابع جهاد مالی را اموالی که در مالکیت امام و دولت است برشمرد. کما اینکه مالکان خصوصی نیز می‌توانند در تأمین منابع جهاد مالی اقدام و در این مسیر بذل مال کنند.

#### ۴-۴. الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی:

منظور از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی، بیان رابطه بین افراد و اموال و منابع اقتصادی از قبیل الگوی تخصیص درآمد، الگوی مصرف، الگوی تولید و سرمایه‌گذاری و الگوی خرید و فروش است (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۴۷)؛ بر این اساس الگوهای رفتاری در نسبت با جهاد مالی را می‌توان در امور زیر عنوان کرد:

#### الف. تأمین مالی دفاع و امنیت:

اختصاص بودجه برای تجهیز و آماده‌سازی نیروهای نظامی، تولید تجهیزات دفاعی و تقویت توان نظامی کشور.

#### ب. تقویت زیرساخت‌های اقتصادی:

به معنای اختصاص منابع برای پیشرفت و بازسازی زیرساخت‌هایی همچون راه‌آهن، جاده، بنادر، نیروگاه‌ها و... است.

#### ج. حمایت از تولید ملی و استقلال اقتصادی:



سرمایه‌گذاری در صنایع داخلی، حمایت از تولیدکنندگان داخلی و کاهش وابستگی به کالاهای خارجی.

#### د. مقابله با تحریم‌های اقتصادی:

تلاش برای دور زدن تحریم‌ها، ایجاد بازارهای جدید و تقویت روابط تجاری با کشورهای دوست.

#### ه. مقابله با جنگ اقتصادی دشمن:

اقدامات متقابل برای تضعیف اقتصاد دشمن مانند سرمایه‌گذاری در بازارهای رقیب، خنثی کردن عملیات تخریبی اقتصادی و حمایت از فعالان اقتصادی در خط مقدم جنگ اقتصادی.

#### و. حمایت از جبهه‌های مقابله با دشمن:

کمک مالی و اقتصادی به گروه‌هایی که در حال مبارزه با ظلم و ستم، کفر و الحاد و دفاع از حقوق بشری، ملی و دینی هستند.  
در راستای تحقّق الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی، وظایفی را آحاد جامعه بر عهده دارند و وظایفی نیز بر عهده‌ی دولت‌ها و حکومت‌ها است؛ به عنوان مثال وظیفه‌ی مردم می‌تواند از قرار زیر باشد:  
۱. تأمین منابع جهاد مالی با انجام مواردی چون پرداخت خمس، زکات، صدقه و وقف برای جهاد با دشمن.

۲. پرهیز از اسراف و تبذیر برای جلوگیری از هدر رفت منابع مالی.

۳. حمایت از تولید داخلی و خرید کالاهای ملی.

۴. سرمایه‌گذاری در طرح‌های اقتصادی سازنده و ...

وظایف حکومت در تحقّق جهاد مالی نیز عبارتند از:

۱. ایجاد نظام مالی اسلامی در راستای ایجاد زمینه برای جذب سرمایه‌های

مردمی و هدایت آن‌ها به سمت فعالیت‌های سازنده و نیازهای اساسی جامعه.

۲. توسعه و تقویت بخش‌های اقتصادی مولّد برای تقویت اقتصاد داخلی و تأمین



امنیت اقتصادی.

۳. مقابله با فساد اقتصادی برای جلوگیری از سوء استفاده از منابع عمومی.
  ۴. توزیع عادلانه ثروت و اصلاح نظام مالیاتی برای تأمین منابع مالی مورد نیاز برای جهاد مالی.
  ۵. تأمین امنیت اقتصادی با مقابله با فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی و ایجاد ثبات در بازارها و جلوگیری از نوسانات شدید قیمت‌ها.
  ۶. آموزش و فرهنگ‌سازی مفهوم جهاد مالی و اهمیت آن.
  ۷. تقویت دیپلماسی اقتصادی برای توسعه‌ی اقتصادی کشور و بهره‌مندی از ظرفیت سرمایه‌های خارجی و انعقاد قراردادهای تجاری مناسب و ...
- چنین پنداشته نشود که با وجود این پیوند میان جهاد مالی و الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی، دیگر تمایزی بین جهاد مالی و اقتصاد اسلامی وجود نخواهد داشت؛ بلکه مقصود این است که روشن شود جهاد مالی بر اساس مفهوم هسته‌ای خود مبنی بر رویکرد مقابله با دشمن به معنای تجلی و جهت‌دهی ویژه‌ای به بخشی از قابلیت‌ها و سازوکارهای نظام اقتصادی اسلام در رویارویی با تهدیدات است، نه اینکه معادل تمامی آن نظام باشد؛ ازاین‌رو، با توجه به اشکال متنوع تهدیدات دشمن در عصر حاضر، می‌تواند مصادیق متنوعی را در برگیرد.
- شایان ذکر است که بسیاری از مصادیقی که به‌عنوان تکالیف مردم یا دولت مطرح شده‌اند، ممکن است بسته به شرایط، احکام متفاوتی داشته باشند. از این رو، بررسی تفصیلی هر یک از این مصادیق و احکام مرتبط با آن، نیازمند فرصت و مجال ویژه‌ای است که از چارچوب موضوعی این پژوهش خارج است.

#### ۵-۴. اخلاق اقتصادی

اخلاق اقتصادی به معنای صفات و رفتارهایی که دارای آثار اقتصادی است می‌تواند در سه عرصه‌ی رابطه‌ی انسان با خدا، رابطه‌ی انسان با اموال و رابطه‌ی انسان با انسان‌های دیگر پیگیری شود (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۶۹). اخلاقی که می‌تواند متناسب با جهاد مالی تحلیل شوند عبارتند از:



### الف. اخلاق اقتصادی در رابطه انسان با خدا:

- شکر در مقابل کفران نعمت: شکر عملی نعمت مال و ثروت آن است که در مسیر سعادت و چارچوب شریعت اسلام هزینه شود؛ بی‌گمان، یکی از این مسیرها صرف دارایی در راه جهاد با دشمنان است.
- رعایت تقوا: تقوا، عمل به فرمان‌های الهی برای دستیابی به سعادت دنیا و آخرت است؛ بی‌گمان، یکی از این تکالیف شرعی جهاد با اموال (جهاد مالی) است.

### ب. اخلاق اقتصادی در رابطه انسان با اموال:

- زهد در مقابل وابستگی به دنیا: زهد به معنای عدم تعلق به اموال مستلزم آن است که انسان به راحتی به وظایف شرعی خویش عمل نماید که یکی از مصادیق تکلیف شرعی، جهاد مالی است.

### ج. اخلاق اقتصادی در رابطه انسان با انسان‌های دیگر:

- احسان: احسان به معنای نیکی کردن در قالب بذل مال می‌تواند چنین اثر اقتصادی داشته باشد که در تأمین منابع برای جهاد مالی به‌کار آید.
- مواسات در عمل: مواسات به معنای مشارکت و تقسیم در معاش و رزق در جهاد مالی می‌تواند به صورت پویش اجتماعی در بذل اموال برای تحقق جهاد مالی در اهدافی چون حمایت از جبهه‌ی اسلام، تقویت مسلمین و اعتلای کلمه‌ی حق صورت گیرد.

## ۵. نتیجه‌گیری

با عنایت به اینکه جایگاه جهاد مالی در اقتصاد اسلامی چیست، نتایج زیر در ارتباط با این موضوع به‌دست آمد:

۱. جهاد در لغت به معنای بذل توان و تلاش در مقابله با دشمن است. هنگامی که به «مال» اضافه شود، به معنای اختصاص دادن منابع مالی برای رویارویی با دشمن تعبیر می‌گردد. در اصطلاح فقهی نیز، جهاد مالی به مجموعه اقدامات، اعم از گفتار یا رفتار، در راستای مقابله با دشمنان از طریق تأمین و خرج اموال در مسیر



خدا تعریف می‌شود.

جهاد مالی بر اساس اعتبارات مختلف به اقسام گوناگونی تقسیم می‌شود: این تقسیم‌بندی‌ها شامل مواردی همچون نوع دشمن، اغراض و انگیزه‌های جهاد، مورد جهاد، ساحت و عرصه‌های جهاد، کیفیت جهاد، جنس جهاد، دایره‌ی جهاد و انواع مال است؛ بنابراین، مصادیق و موارد جهاد مالی بر حسب این تقسیمات متنوع خواهد بود.

۲. در بیان جایگاه جهاد مالی در میان احکام مالی اسلام و تمایز میان آن‌ها، جهاد مالی نسبت به سایر احکام مالی اسلام نظیر انفاق، خمس، زکات، وقف و صدقه، به لحاظ ماهیت تفاوت اساسی دارد. با این حال، هر یک از این احکام می‌توانند به‌عنوان منابع تأمین سرمایه برای جهاد مالی در نظر گرفته شوند. با وجود این، جهاد مالی می‌تواند حکمی مستقل و جداگانه نیز داشته باشد

۳. جایگاه جهاد مالی در نظام اقتصادی اسلام از قرار زیر می‌باشد:

• مبانی نظری: جهاد مالی با تأکید بر مبانی نظری یعنی رویارویی انسان مختار با جبهه‌ی باطل در راستای تحقق جانشینی خداوندی که مالک اصلی همه چیز است برای حرکت به سوی او.

• اهداف: جهاد مالی در تأمین هدف امنیت اقتصادی چه در ساحت خرد و چه در ساحت کلان (ملی) در دو عرصه‌ی امنیت داخلی و امنیت خارجی تأثیرگذار است.

• اصول راهبردی: جهاد مالی با هر یک از اصول راهبردی حاکمیت مصالح در حوزه‌ی اقتصاد، آزادی و مسئولیت‌های اقتصادی، دولت و حکومت اسلامی در نظام اقتصادی و مالکیت‌های مختلط ارتباط وثیقی دارد.

• الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی: جهاد مالی به عنوان یک رویکرد دفاعی و تهاجمی درون نظام اقتصادی، از اصول و مکانیسم‌های همان نظام بهره می‌گیرد، لکن هدف و جهت آن، مقابله با تهدیدات بیرونی و درونی است. بنابراین، مرز آن با نظام اقتصاد اسلامی، در غایت و جهت‌گیری است، نه در قواعد پایه. بر این اساس، الگوهای رفتاری برای تحقق جهاد مالی را می‌توان در قالب تأمین مالی



دفاع و امنیت، تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، حمایت از تولید ملی و استقلال اقتصادی، مقابله با تحریم‌های اقتصادی، مقابله با جنگ اقتصادی دشمن، حمایت از جبهه‌های مقابله با دشمن عنوان کرد.

● اخلاق اقتصادی: صفاتی چون شکر، رعایت تقوا، زهد، احسان و مواسات می‌تواند در تحلیل اقتصادی تحقق جهاد مالی تأثیرگذار باشد.



## فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)؛ النهایة فی غریب الحدیث و الاثر؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۲. ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۳. ابن حمزه، محمد (۱۴۰۸ق)؛ الوسیلة الی نیل الفضیلة؛ قم: مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول.
۴. ابن زهره، حمزه (۱۴۱۷ق)؛ غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع؛ قم: مؤسسه الامام الصادق، چاپ اول.
۵. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)؛ المحکم و المحيط الاعظم؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۷. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)؛ المهدب البارع فی شرح المختصر النافع؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)؛ لسان العرب؛ بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول.
۹. اراکی، محسن (۱۳۹۰)؛ کتاب الخمس؛ قم: مجمع الفکر اسلامی، چاپ اول.
۱۰. ازدی، عبدالله بن محمد (۱۳۸۷)؛ کتاب الماء؛ تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، چاپ اول.
۱۱. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)؛ تهذیب اللغة؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۲. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)؛ کتاب الخمس؛ قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)؛ کتاب الزکاة؛ قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
۱۴. بحرانی، یوسف (۱۳۶۳)؛ حدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۵. بروجردی، حسین (۱۴۲۹ق)؛ زبدة المقال فی خمس الرسول و الآل علیهم صلوات الله جمیعا؛ قم: پیام آزادگان، چاپ اول.
۱۶. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۶ق)؛ جامع المسائل؛ قم: دفتر معظم له، چاپ دوم.
۱۷. تبریزی، جواد (۱۳۸۶)؛ تنقیح مبانی العروة (الزکاة - الخمس)؛ قم: دار الصدیقة الشهیدة (سلام الله علیها)، چاپ اول.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۶ق)؛ منهاج الصالحین؛ قم: مجمع الامام المهدی (عج)، چاپ اول.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)؛ تسنیم؛ قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول.
۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق)؛ الصحاح؛ بیروت: دار العلم للملایین، چاپ سوم.
۲۱. حسینی حائری، سید کاظم (۱۴۳۰ق)؛ فقه العقود؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ دوم.



۲۲. حسینی عاملی، سید محمدجواد (۱۴۱۹ق)؛ مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)؛ تحریر الاحکام الشرعية علی مذهب الامامية؛ قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۲۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق)؛ تذکره الفقهاء؛ قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۲۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)؛ قواعد الاحکام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۹ق)؛ نهاية الاحکام فی معرفة الاحکام؛ قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۲۷. حماد، نزیه (۱۴۲۹ق)؛ معجم المصطلحات المالية والاقتصادية فی لغة الفقهاء؛ سوریه: دار القلم، چاپ اول.
۲۸. خمینی، روح الله (۱۳۹۲)؛ تحریر الوسيلة؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳)؛ مناهج الوصول الی علم الاصول؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۳۰. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)؛ منهاج الصالحین؛ قم: مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم.
۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸ق)؛ موسوعة الامام الخوئی؛ قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ اول.
۳۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بیروت: دار الشامیة، چاپ اول.
۳۳. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵ق)؛ فقه القرآن؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.
۳۴. رضی الدین استرآبادی، محمد بن حسن (۱۳۷۹)؛ شرح شافية ابن حاجب؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۳۵. رضائی علوی، محمدحسن (۱۳۹۴)؛ تبیین رابطه جهاد مالی و جانی در قرآن کریم و روایات؛ دانشگاه پیام نور مرکز آران و بیدگل، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۳۶. روحانی، محمد (۱۳۷۶)؛ المرتقی الی الفقه الأرقی (الزکاة)؛ تهران: دار الجلی، چاپ اول.
۳۷. زمخشری، محمد بن عمر (۱۳۹۹ق)؛ اساس البلاغة؛ بیروت: دار صادر، چاپ اول.
۳۸. سعدی، ابو جیب (۱۴۰۸ق)؛ القاموس الفقهی لغة واصطلاحا؛ سوریه: دار الفکر، چاپ دوم.
۳۹. شهرکانی، ابراهیم اسماعیل (۱۴۳۰ق)؛ معجم المصطلحات الفقهیة؛ قم: ذوی القربی، چاپ اول.
۴۰. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق[الف])؛ اقتصادنا؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۴۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ق[ب])؛ بحوث فی علم الاصول؛ قم: مؤسسه دائر المعارف الفقه الاسلامی، چاپ سوم.
۴۲. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)؛ من لا یحضره الفقیه؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۴۳. طباطبایی، علی بن محمد (۱۴۱۸ق)؛ ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل؛ قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول.



۴۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)؛ تفسیر جوامع الجامع؛ قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۴۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)؛ مجمع البحرین؛ تهران: مکتبه المرتضویه، چاپ سوم.
۴۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۷ق)؛ الجمل و العقود؛ مشهد: دانشگاه مشهد، چاپ اول.
۴۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق)؛ الخلاف؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۴۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ق)؛ المبسوط فی فقه الامامیه؛ تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء آثار الجعفریه، چاپ سوم.
۵۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۰ق)؛ النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی؛ بیروت: دار الکتب العربی، چاپ دوم.
۵۱. عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۳ق)؛ مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام؛ قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
۵۲. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (۱۴۱۲ق)؛ البیان؛ قم: نشر محقق، چاپ اول.
۵۳. \_\_\_\_\_ (شهید اول) (۱۴۱۷ق)؛ الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۵۴. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵ق)؛ کنز‌العرفان فی فقه القرآن؛ قم: انتشارات مرتضوی، چاپ اول.
۵۵. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۳۰ق)؛ تفصیل الشریعة (الزکاة)؛ قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، چاپ اول.
۵۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)؛ العین؛ قم: مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
۵۷. فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۴۰۰)؛ «بازشناسی تفسیری مفهوم قرآنی قرض حسن»، مطالعات تفسیری؛ دوره ۱۲، شماره ۴۷، ص ۲۷-۴۴.
۵۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق)؛ القاموس المحیط؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ دوم.
۵۹. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر؛ قم: مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
۶۰. کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی و سیدرضا حسینی (۱۴۰۳)؛ «بررسی و تحلیل جایگاه تکافل اجتماعی در چارچوب مبانی اسلام»، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی؛ شماره ۴۶، ص ۳۷-۶۱.
۶۱. کرکی عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ قم: مؤسسه آل‌البتیت، چاپ دوم.
۶۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۶۳. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)؛ الشرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام؛ قم: اسماعیلیان، چاپ دوم.
۶۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸ق)؛ المختصر النافع فی فقه الامامیه؛ قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة، چاپ ششم.



۶۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق)؛ المعتبر فی شرح المختصر؛ قم: مؤسسه سیدالشهدا (ع)، چاپ اول.
۶۶. محقق داماد، سید محمد (۱۴۱۸ق)؛ کتاب الخمس؛ قم: دار الانسواء للنشر، چاپ اول.
۶۷. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ سوم.
۶۸. مطرزی، ناصر بن عبدالسید (۱۳۹۹ق)؛ المغرب فی ترتیب المعرب؛ سوریه: مکتب اسامة بن زید، چاپ اول.
۶۹. معلوف، لویس (۱۳۷۱)؛ المنجد فی اللغة؛ قم: نشر اسماعیلیان، چاپ سوم.
۷۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق)؛ المقنعة؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۷۱. میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۱)؛ نظام اقتصادی اسلام؛ تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
۷۲. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۷۳. نراقی، احمد (۱۴۱۵ق)؛ مستند الشیعة فی احکام الشریعة؛ قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول.
۷۴. نمازی، حسین (۱۳۸۷)؛ نظامهای اقتصادی؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.
۷۵. واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۶۶)؛ «جهاد به مال و جان در قرآن»، مشکوة؛ شماره ۱۶، ص ۱-۲۳.
۷۶. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۵ق)؛ بحوث فی الفقه (الخمس)؛ قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ دوم.
۷۷. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۶ق)؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)؛ قم: مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، چاپ اول.
۷۸. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۶)؛ نظام اقتصاد علوی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۷۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹)؛ نظام مالی اسلام؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۸۰. صص

